

صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط در اختلافات خصوصی بین‌المللی؛ بررسی تطبیقی حقوق ایران و مصر

محمدمجد کابری^۱، اعظم انصاری^{۲*}، عبدالله خدابخشی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

چکیده

در رسیدگی به دعاوی خصوصی بین‌المللی، اقامه دعاوی مرتبط با دعاوی اصلی توسط طرفین دعوا یا شخص ثالث دور از انتظار نیست. بروز دعاوی مرتبط که ممکن است در صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به دعاوی اصلی نباشد منجر به طرح سئوالات مختلفی می‌شود. در همین زمینه دو سؤال مهم این است که آیا دادگاه‌های ایرانی و مصری در دعاوی خصوصی بین‌المللی، صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط را به تبعیت از دارا بودن صلاحیت رسیدگی به دعاوی اصلی دارند؟ آیا صلاحیت دادگاه خارجی برای رسیدگی به دعاوی اصلی، مانع اعمال صلاحیت دادگاه ایرانی یا مصری برای رسیدگی به دعاوی مرتبط با آن است؟ نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی موضع نظام‌های حقوقی مصر و ایران در خصوص این مسائل را مورد توجه قرار می‌دهد. مقاله نشان می‌دهد که دادگاه مصری و ایرانی در صورت صلاحیت برای رسیدگی به دعاوی اصلی، صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط با آن را نیز دارند. در مقابل، در حقوق ایران صلاحیت دادگاه خارجی برای رسیدگی به دعاوی اصلی مانع رسیدگی دادگاه ایرانی صالح به رسیدگی به دعاوی مرتبط نیست اما در این خصوص در حقوق مصر اختلاف نظر مشاهده می‌شود.



واژگان کلیدی: دادگاه خارجی، دعوای طاری، دعوای مرتبط، صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، مسأله مقدماتی.

۱. مقدمه

وقتی دعوای دارای عنصر خارجی در دادگاه کشوری مطرح می‌شود، اولین سؤال قاضی این است که آیا برای رسیدگی به دعوا صلاحیت دارد؟ در پاسخ قاضی باید به قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها^۱ در کشور خود مراجعه کند. قواعد مزبور، موارد صلاحیت دادگاه‌های ملی برای رسیدگی به دعوای خصوصی دارای عنصر خارجی را تعیین می‌کنند. این نوع قواعد، یکجانبه هستند. به این معنا که صرفاً موارد صلاحیت دادگاه‌های ملی در رسیدگی به دعوای خصوصی بین‌المللی را تعیین می‌کنند و به صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های سایر کشورها نمی‌پردازند. در برخی نظام‌های حقوقی مانند مصر، قانونگذار برای تعیین موارد صلاحیت دادگاه‌ها در رسیدگی به دعوای بین‌المللی، قواعد خاصی در مواد ۲۸-۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری ۱۹۶۸^۲ وضع کرده است. قانونگذار ایران قواعد خاصی در این زمینه پیش‌بینی نکرده است، لذا دادگاه ایرانی جهت احراز صلاحیت خود برای رسیدگی به دعوای بین‌المللی، تنها می‌تواند به قواعد صلاحیت نسبی (محلی)^۳ که برای احراز صلاحیت رسیدگی به دعوای داخلی در قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ وضع شده، مراجعه نماید.

دادگاه هر کشور پس از احراز صلاحیت مطابق قواعد صلاحیت بین‌المللی خود، رسیدگی به دعوا را آغاز می‌کند. در هر حال، در مواردی ممکن است حین رسیدگی به دعوا، دعوای مرتبط^۴ با آن مطرح گردد، در این صورت، این سؤال مطرح می‌شود

۱. International Jurisdiction Rules

۲. قانون المرافعات المدنية و التجارية ۱۳/۱۹۶۸

۳. Local Jurisdiction

۴. Related Actions



که آیا دادگاه رسیدگی کننده به دعوی اصلی، صلاحیت رسیدگی به دعوی مرتبط را نیز دارد؟ دعاوی مرتبط ممکن است به صورت مسئله مقدماتی^۱ یا دعوی طاری^۲ مطرح شوند. پژوهش حاضر با توجه به قانون آیین دادرسی مدنی ایران به ویژه مقررات راجع به صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط در اختلافات داخلی و همچنین قواعد مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری مصر به بررسی رویکرد حقوق ایران و حقوق مصر - به عنوان یک نظام تأثیرگذار در میان نظام‌های حقوقی کشورهای عربی - به موضوع دعاوی مرتبط در دعاوی خصوصی بین‌المللی می‌پردازد.

در این راستا مقاله حاضر در بخش اول به تبیین مبنای صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط در اختلافات خصوصی بین‌المللی می‌پردازد. بخش دوم مقاله به بررسی صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به دعوی اصلی در مواجهه با دعاوی مرتبط در این دو نظام حقوقی اختصاص دارد. در این قسمت «مسائل مقدماتی»، «دعاوی طاری» و نقش آن‌ها در صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها واکاوی می‌گردد. در بخش سوم، عدول از صلاحیت رسیدگی به دعوی مرتبط به نفع دادگاه خارجی رسیدگی کننده به دعوی اصلی مطرح می‌شود. از آنجا که ممکن است دادگاه صلاحیتدار برای رسیدگی به دعوی مرتبط، صلاحیت انحصاری در رسیدگی به این دعوا داشته باشد، عدول این دادگاه از رسیدگی به دعوی مرتبط، وضعیت متفاوتی خواهد داشت که در بخش چهارم مقاله مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در بخش پنجم این نوشتار نیز مسئله ارتباط در فرض تعدد خواندگان بررسی می‌شود. در پایان نتیجه‌ای از مطالب مطرح شده در مقاله ارائه می‌شود.

۱. Preliminary Question
 ۲. Incidental Claim

۲. مبنای صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط در اختلافات خصوصی

بین‌المللی

در مواردی دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا با دعاوی مرتبط با دعاوی اصلی مواجه می‌شود، مسأله صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده به دعاوی اصلی برای رسیدگی به دعاوی یادشده مورد توجه قرار می‌گیرد. در چنین فرضی در حقوق برخی کشورها تصریح شده که دادگاه رسیدگی‌کننده به دعاوی اصلی، صلاحیت رسیدگی به این دعاوی را نیز دارد.^۱ برای مثال، قانونگذار مصر در ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری مقرر می‌دارد: «چنانچه دعوی که در صلاحیت دادگاه‌های مصر است، در دادگاه مصری اقامه شود، دادگاه مزبور صلاحیت رسیدگی به مسائل مقدماتی و دعاوی طاری بر دعاوی اصلی را دارد، همچنین دادگاه مزبور برای رسیدگی به هر درخواستی که به این دعاو ارتباط دارد و اداره صحیح عدالت، رسیدگی به آن را اقتضا می‌کند صالح است». مطابق این ماده در موردی که دادگاه‌های مصر طبق قواعد صلاحیت بین‌المللی، صلاحیت رسیدگی به دعاوی اصلی را دارند، صلاحیت رسیدگی به مسائل مقدماتی و دعاوی طاری و به هر دعاوی مرتبط دیگر با آن را نیز دارند. به نظر می‌رسد اینکه دادگاه رسیدگی‌کننده به دعاوی اصلی به دعاوی مرتبط نیز رسیدگی کند، ناشی از یک قاعده مهم صلاحیتی است که از آن با عنوان «قاضی اصل، قاضی فرع است»^۲ (سلامه، ۲۰۰۰، ص ۲۱۸) یا «قاضی دعوا،

۱. برای مثال ماده هفت قانون حقوق بین‌الملل خصوصی کشور تونس مصوب ۱۹۹۸ مقرر می‌دارد: «دادگاه‌های تونس برای رسیدگی به دعاوی مرتبط با دعاوی مطرح شده در آنها صالح به رسیدگی هستند». ماده هشت قانون حقوق بین‌الملل خصوصی سوییس مصوب ۱۳۸۷ مقرر می‌دارد: «دادگاهی که به دعاوی اصلی رسیدگی می‌کند، صلاحیت رسیدگی به دعاوی متقابل نیز دارد مشروط به اینکه میان دعاوی اصلی و دعاوی متقابل ارتباط واقعی وجود داشته باشد». همچنین ماده شش قانون حقوق بین‌الملل خصوصی ایتالیا مصوب ۱۹۹۵ زیر عنوان دعاوی طاری مقرر می‌دارد: «قاضی ایتالیایی می‌تواند به طور طاری در مورد مسائلی تصمیم‌گیری کند که در صلاحیت قضایی ایتالیا نیست اما حل آن برای تصمیم‌گیری در مورد دعوی که نزد او اقامه شده ضروری است».

۲. Le juge du principal est le juge de l'accessoire



قاضی ایراد است» (خدابخشی، ۱۳۹۲، ص ۴۲۵) یاد می‌شود. مطابق این قاعده برای مثال چنانچه دادگاه‌های یک کشور صلاحیت رسیدگی به دعوی طلاق را داشته باشند، صلاحیت رسیدگی به هر دعوی دیگر مرتبط از جمله دعوی نفقه و نگاهداری اطفال را نیز خواهند داشت (البنموسی، ۲۰۰۳، ص ۹۴). اهداف این قاعده عبارتند از: الف) رعایت مصلحت اطراف دعوا با کاهش هزینه‌ها و اجتناب از اطاله رسیدگی؛ ب) تحقق عدالت و سرعت در حل اختلافات و ج) جلوگیری از صدور احکام متعارض^۲ در یک اختلاف (سلامه، ۲۰۰۰، ص ۲۲۸).

تشخیص وجود ارتباط با دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی است. موید این مطلب این است که مطابق ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی ایران به طور کلی تشخیص صلاحیت رسیدگی به دعاوی با دادگاهی است که دعوا در آن اقامه می‌شود (شمس، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۴۰۷ و افتخارچهرمی و السان، ۱۳۹۶، ص ۲۴۲).

از منظر فقه اسلامی «اگر مدعی‌علیه، با قطع دعوی مدعی، در مقابل او اقامه دعوا کند، تا زمانی که به دعوی مدعی رسیدگی نشود، دعوی مدعی‌علیه استماع نمی‌شود. اما اگر قاضی احتمال دهد که بین دو دعوا ارتباط است و استماع دعوی دوم، سبب روشن شدن برخی از خصوصیات دعوی اول می‌شود، به دعوی به صورت توأمان، رسیدگی می‌کند» (خدابخشی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۹). به این ترتیب از نظر فقهی نیز در صورتی که رسیدگی به دعوی مرتبط به نحوی مؤثر در دعوی اصلی باشد، قاضی به هر دو دعوا، توأمان رسیدگی می‌کند.

در حقوق ایران بجز ماده ۹۷۱ قانون مدنی مقرر دیگر در صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها وجود ندارد و قواعد راجع به صلاحیت بین‌المللی همان است که در مواد ۱۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی در حقوق داخلی اعمال می‌شود (مقصودی، ۱۳۹۶،

۱. Le juge d` action est le juge d`exception

۲. Inconsistent Judgments

ص ۲۳۰). به این ترتیب، قانونگذار ایران همان قواعد داخلی را در زمینه بین‌المللی نیز قابل اعمال می‌داند.

طبق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده است (شمس، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۷۹). البته رسیدگی به دعاوی مرتبط از زمره استثنای‌های وارد بر این قاعده اصلی است. با این توضیح که در مورد دعاوی طاری طبق ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه رسیدگی‌کننده به دعاوی اصلی صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط را دارد (ابهری و برزگر، ۱۳۹۶، ص ۱۴۴؛ افتخارچهرمی و السان، ۱۳۹۶، ص ۲۷۶)؛ مگر رسیدگی به دعاوی اخیر از صلاحیت ذاتی دادگاه خارج باشد (افتخارچهرمی و السان، ۱۳۹۶، ص ۲۷۶). ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران مقرر می‌دارد: «در موارد زیر خواننده می‌تواند ضمن پاسخ به ماهیت دعوی ایراد کند: ... ۲- دعوا بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه هم عرض دیگری قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی باشد و یا اگر همان دعوا نیست دعوایی باشد که با ادعای خواهان ارتباط کامل دارد». قسمت اخیر بند دو این ماده به ایراد امرمرتبط اشاره دارد. از آنجا که ایراد امرمرتبط برای جلوگیری از صدور احکام متعارض و اداره صحیح عدالت و دادگستری پیش‌بینی شده است، حتی در موردی که اصحاب دعوا به ایراد مزبور اشاره ننمایند، دادگاه رأساً مکلف به اعمال آن است (غمامی و محسنی، ۱۳۸۶، ص ۸۶). به هر حال، همان‌طور که اشاره شد، برخلاف حقوق مصر، در حقوق ایران مقرره‌ای در خصوص صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط در دعاوی بین‌المللی وجود ندارد؛ بنابراین برای بررسی رویکرد حقوق ایران درباره صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط در دعاوی بین‌الملل خصوصی ناگزیر باید به قواعد صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط در دعاوی داخلی مراجعه کرد.

۳. امکان‌سنجی رسیدگی به دعاوی مرتبط به تبع رسیدگی به دعاوی اصلی

دعاوی مرتبط عمدتاً به مسائل مقدماتی و دعاوی طاری تقسیم می‌شود. در این قسمت مفهوم دقیق مسائل مقدماتی و دعاوی طاری و امکان‌سنجی رسیدگی به آن‌ها در کنار



رسیدگی به دعوی اصلی در اختلافات خصوصی بین‌المللی در حقوق ایران و مصر تبیین می‌شود. در پایان نیز مفهوم «دعوی مرتبط دیگر» که در ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری مصر ذکر شده واکاوی می‌گردد و امکان توجه به چنین مفهومی در حقوق ایران بررسی می‌شود.

۳-۱. مسائل مقدماتی

هنگام رسیدگی به دعوی اصلی ممکن است مسائل مقدماتی نیز مطرح شود. در تعریف مسائل مقدماتی می‌توان گفت مسائلی است که حل آنها برای حل دعوی اصلی لازم است (حداد، ۲۰۱۰، ص ۱۶۴؛ سلامه، ۲۰۰۰، ص ۲۲۰؛ ارفع نیا، ۱۳۸۳، ص ۲۰۲). با توجه به ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی ایران که سخن از «منوط شدن رسیدگی به دعوا به اثبات ادعا» دارد می‌توان گفت امری که در صورت صالح بودن دادگاه، باید پیش یا همزمان با رسیدگی به دعوی اصلی بررسی شود، مسأله مقدماتی محسوب می‌شود. برای مثال، برخی (البنموسی، ۲۰۰۳، ص ۸۸) از وجود رابطه زوجیت در دعوی نفقه و تابعیت متوفی برای رسیدگی به دعوی راجع به ترکه یک تبعه خارجی به عنوان مسائل مقدماتی نام برده‌اند.

در حقوق مصر ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری بر صلاحیت دادگاه مصری برای رسیدگی به مسائل مقدماتی در کنار رسیدگی به دعوی اصلی تأکید کرده است. با توجه به ماده مزبور برخی (حداد، ۲۰۱۰، ص ۱۶۶) معتقدند برای صلاحیت دادگاه مصر در رسیدگی به مسأله مقدماتی دو شرط لازم است؛ اولاً: دادگاه مصر طبق قواعد صلاحیت بین‌المللی خود، صلاحیت رسیدگی به دعوی اصلی را داشته باشد؛ ثانیاً: رسیدگی به مسأله مقدماتی برای رسیدگی به دعوی اصلی لازم باشد. با تحقق این دو شرط دادگاه‌های مصر می‌توانند به مسأله مقدماتی رسیدگی کنند اگرچه در اصل صلاحیت رسیدگی به آن را نداشته باشند.

در حقوق ایران، در مورد دعاوی داخلی، ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دعوی تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیتدار متوقف می‌شود». مطابق ماده مذکور چنانچه ادامه رسیدگی به دعوی مطروحه مستلزم اثبات ادعایی باشد که در صلاحیت دادگاه دیگری است، دادگاه رسیدگی خود را متوقف خواهد کرد تا نتیجه رسیدگی به این ادعا توسط دادگاه صالح مشخص گردد (مهاجری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۱۰). به هر حال، در حقوق ایران در دعاوی داخلی چنانچه حل مسأله مقدماتی در صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی باشد، به آن نیز رسیدگی می‌کند و برعکس چنانچه در صلاحیت دادگاه نباشد، قرار اناطه صادر می‌شود و مسأله مقدماتی توسط دادگاه صلاحیتدار حل و فصل می‌شود.

حال پرسش این است که رویکرد حقوق ایران در دعاوی بین‌المللی چیست؟ چنانچه دادگاه ایران صلاحیت رسیدگی به دعوی اصلی را داشته باشد و برای حل و فصل دعوی مذکور، مسأله مقدماتی مطرح شود که در صلاحیت دادگاه کشور دیگری است، دادگاه ایرانی می‌تواند به مسأله مقدماتی نیز رسیدگی کند؟

پذیرش این قاعده که دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی به مسأله مقدماتی نیز رسیدگی کند دلایل متعددی دارد؛ اولاً: توقف رسیدگی توسط دادگاه یک کشور، به منظور رسیدگی دادگاه کشور دیگر به مسأله مقدماتی، با حاکمیت کشور منافات دارد (ارفع‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۲۰۳)؛ ثانیاً: توقف رسیدگی دادگاه، به منظور رسیدگی دادگاه کشور دیگر باعث می‌شود کار دادگستری، معطل شود و به حاکمیت قضایی کشور خدشه وارد گردد (سلامه، ۲۰۰۰، ص ۲۲۱)؛ ثالثاً: برخلاف دعاوی داخلی، در دعاوی بین‌المللی هر کدام از دو دادگاه، تابع حاکمیت یک کشور مستقل هستند و قواعدی برای توزیع صلاحیت میان این دو دادگاه وجود ندارد (عبدالعال، ۲۰۰۰، ص ۱۰۰-۹۹). افزون بر این می‌توان گفت عدم توقف رسیدگی، به صلاح اطراف دعوا و به نفع تجارت بین‌المللی است تا اختلافات اشخاص زودتر حل و فصل شود. به نظر می‌رسد



این دلایل را می‌توان در حقوق ایران نیز پذیرفت؛ با پذیرش این نظر برای مثال، چنانچه در مورد مالکیت ملکی اختلافی رخ دهد و خوانده ادعا کند که ملک را از طریق ارث تملک کرده است، در این صورت دادگاه صلاحیتدار برای رسیدگی به دعاوی اصلی به مسأله ارث نیز - به عنوان مسأله مقدماتی - رسیدگی می‌کند اگر چه در اصل صالح برای رسیدگی به آن نباشد (کمال فهمی، ۱۹۹۲، ص ۶۴۱؛ البنموسی، ۲۰۰۳، ص ۸۹).

پرسش مهم دیگر این است که در دعاوی مسؤولیت مدنی ناشی از جرم چنانچه دادگاه مصری یا ایرانی به دعاوی مسؤولیت مدنی رسیدگی می‌کند در حالی که دعاوی کیفری در دادگاه محل وقوع جرم در کشور دیگری اقامه شده است؛ آیا دادگاه مصر یا ایران باید رسیدگی به دعاوی مسؤولیت مدنی را متوقف کند تا رأی دادگاه خارجی در امر کیفری صادر شود؟

در حقوق مصر، به عقیده برخی (کمال فهمی، ۱۹۹۲، ص ۶۴۲) حل و فصل دعاوی مسؤولیت مدنی ناشی از جرم، به این دلیل که دعاوی کیفری در کشور دیگری اقامه شده و مرتبط با دعاوی مسؤولیت مدنی است، متوقف نمی‌شود؛ زیرا از آنجا که رأی کیفری مربوط به حاکمیت ملی کشور دادگاه صادرکننده است، تنها در مرزهای کشور دادگاه صادرکننده حکم اعتبار دارد. بنابراین نمی‌توان تصور کرد که رأی کیفری صادره از دادگاه خارجی در دادگاه مصری رسیدگی‌کننده به دعاوی مسؤولیت مدنی قابل شناسایی باشد. البته این عقیده تا جایی معتبر است که خلاف آن در موافقتنامه‌های همکاری و معاضدت قضایی مقرر نشده باشد (عبدالعال، ۲۰۰۰، ص ۱۰۱).

در دعاوی داخلی در حقوق ایران چنانچه فعل زیان‌بار در زمره عناوین مجرمانه باشد و دادگاه کیفری نسبت به آن رأی داده باشد، در صورتی که رأی مبنی بر محکومیت عامل زیان و ارتکاب عمل مجرمانه باشد، دادگاه حقوقی باید از رأی مزبور تبعیت کند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۴۳۶). ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری

مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هرگاه رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند، لازم‌الاتباع است». حال پرسش این است که آیا رسیدگی کیفری به یک دعوی مرتبط چه در دعوی داخلی و چه بین‌المللی، منجر به توقف رسیدگی در دعوی حقوقی می‌شود؟ در حقوق ایران در دعوی داخلی، توقف دعوی حقوقی به دلیل دعوی کیفری، قطعی نیست و به تشخیص دادگاه بستگی دارد (خدابخشی، ۱۳۹۲، ص ۳۵۷). در این صورت اگر طرح دعوا در دادگاه کیفری ایران لزوماً، سبب توقف دعوی حقوقی در ایران نشود، به طریق اولی طرح در دادگاه خارجی نباید منتهی به توقیف دادرسی مدنی شود. همچنین حاکمیت ملی ایجاب می‌کند که توقیف دعوی مدنی به دلیل دعوی کیفری در کشور خارجی، نیازمند تصریح باشد و ماده ۱۸ تنها ویژه دعوی داخلی است.

۲-۳. دعوی طاری

طواری حوادثی هستند که با ماهیت دعوا ارتباط دارند، به این معنا که دامنه دعوا را وسعت می‌دهند و یا ادعاهای جدیدی بر ادعای اصلی موضوع دادخواست و مبدأ دعوا اضافه می‌کنند و یا اشخاصی را که جزء اصحاب اصلی دعوا نبوده‌اند دخیل در دادرسی می‌کنند (متین دفتری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۱۹). دعوی طاری ممکن است از طرف خواننده دعوی اصلی علیه خواهان آن اقامه شود (دعوی متقابل) یا خواهان علیه خواننده اقامه کند (دعوی اضافی) یا شخص ثالثی علیه هر یک از اصحاب دعوی اصلی اقامه کند (دعوی ورود شخص ثالث) و یا هر یک از اصحاب دعوی اصلی علیه ثالثی اقامه کند (دعوی جلب ثالث) (شمس، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۹۴). طاری بودن یک موضوع نسبی است و ارتباط میان دو دعوا اصولاً با تمرکز بر موضوع دو دعوا قابل تشخیص است (نهرینی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۳۵).

برای مثال دعوی خواننده برای تسلیم مبیع در مقابل دعوی خواهان برای تسلیم ثمن از زمره دعوی طاری است (سلامه، ۲۰۰۰، ص ۲۲۴).



در حقوق مصر، ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری به صراحت بر صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی برای رسیدگی به دعوی طاری تأکید کرده است. برخی (سلامه، ۲۰۰۰، ص ۲۲۴) معتقدند طبق ماده مزبور برای صلاحیت دادگاه‌های مصر در رسیدگی به دعوی طاری دو شرط لازم است؛ اولاً: دادگاه‌های مصر صلاحیت رسیدگی به دعوی اصلی را داشته باشند؛ ثانیاً: دعوی طاری ارتباط با دعوی اصلی داشته باشد و حداقل موضوع و جهت دعوی طاری و دعوی اصلی یکسان باشد.

در حقوق ایران ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹، درباره رسیدگی به دعوی طاری در اختلافات داخلی مقرر می‌دارد: «هر دعوی که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوی طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوی اصلی مرتبط یا دارای یک منشاء باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است». ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ مقرر می‌داشت: «هر دعوی که در اثناء رسیدگی به دعوی دیگری از طرف مدعی یا مدعی‌علیه یا شخص ثالثی یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود دعوی طاری نامیده می‌شود و این دعوی اگر با دعوی اصلی ناشی از یک منشأ باشد و یا با دعوی اصلی ارتباط کامل داشته باشد در دادگاهی اقامه می‌شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است مگر اینکه دعوی طاری از صلاحیت ذاتی دادگاه خارج باشد در این صورت اگر رسیدگی به دعوی اصلی متوقف به رسیدگی به دعوی طاری باشد دعوی اصلی موقوف می‌ماند تا دعوی طاری در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به آن را دارد خاتمه پذیرد».

با مقایسه این دو ماده می‌توان دریافت که در ماده ۱۷ قانون ۱۳۷۹، بحث عدم صلاحیت ذاتی مرجع اصلی حذف شده و مشخص نشده است چنانچه دعوی طاری از صلاحیت ذاتی دادگاه خارج باشد چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد با توجه به حذف ذیل ماده ۲۸ قانون ۱۳۱۸ در ماده ۱۷ قانون ۱۳۷۹ و با توجه به حکم مقرر در ماده

۱۹ این قانون،^۱ دادگاه رسیدگی‌کننده باید به مدعی دعوای طاری مثلا مدعی دعوای متقابل متذکر شود و اقدامات لازم در راستای ماده ۱۹ را معمول دارد و تا آن زمان رسیدگی را متوقف کند. به هرصورت توقف رسیدگی به دعوای اصلی تا مشخص شدن نتیجه دعوای طاری خارج از صلاحیت ذاتی، امری است که در ماده ۱۹ قانون ۱۳۷۹ جایگاه قانونی یافته است (مهاجری، ۱۳۸۷، ج ۱ ص ۱۰۷؛ شمس، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۹۴). پس در دعوای داخلی، دادگاه صالح به رسیدگی به دعوای اصلی، صلاحیت رسیدگی به دعوای طاری نیز دارد مشروط بر اینکه دعوای طاری با دعوای اصلی مرتبط یا دارای یک منشأ باشد و از صلاحیت ذاتی دادگاه خارج نباشد.

پرسش این است که اگر دعوایی بین‌المللی در دادگاه صالح ایرانی مطرح شود و دعوای طاری نیز در دادگاه مزبور اقامه شود چنانچه دادگاه ایرانی صلاحیت رسیدگی به دعوای طاری را نداشته باشد چه باید کرد؟ بنظر می‌رسد چنانچه دادگاه ایران صلاحیت رسیدگی به دعوای اصلی را داشته باشد، صلاحیت رسیدگی به دعوای طاری را نیز خواهد داشت، اگرچه در اصل، صلاحیت رسیدگی به دعوای اخیر را نداشته باشد؛ زیرا دعوای طاری در اختلافات بین‌المللی، از زمره امور مرتبط و مسائل مقدماتی است و در صورت تردید می‌توان به قاعده «قاضی دعوا، قاضی ایراد است» استناد کرد. همچنین با وجود ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی^۲ که در کنار ضوابط

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. ماده ۱۹ قانون آدم: «هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیتدار متوقف می‌شود. در این مورد، خواهان مکلف است ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن را به دفتر دادگاه رسیدگی‌کننده تسلیم نماید، در غیر اینصورت قرار رد دعوا صادر می‌شود و خواهان می‌تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجدداً اقامه دعوا نماید».

۲. ماده ۶۵ قانون آ.د.م: «اگر به موجب یک دادخواست دعوای متعددی اقامه شود که با یکدیگر ارتباط کامل نداشته باشند و دادگاه نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند، دعوای اقامه شده را از یکدیگر تفکیک و به هر یک در صورت صلاحیت جداگانه رسیدگی می‌کند و در غیر این صورت نسبت به آنچه صلاحیت ندارد با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مراجع صالح ارسال می‌نماید».



ارتباط و منشأ واحد بین دو دعوا، به توانایی دادگاه نیز اشاره دارد، می‌توان صلاحیت دادگاه ایرانی را استنباط کرد (خدابخشی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۴).

۳-۳. دعاوی مرتبط دیگر

در حقوق مصر تأکید شده است که علاوه بر مسائل مقدماتی و دعاوی طاری مسأله دیگری با عنوان «دعاوی مرتبط دیگر» وجود دارد که دادگاه رسیدگی‌کننده به دعاوی اصلی، صلاحیت رسیدگی به آن دعاوی را نیز دارد. مطابق ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری مصر، دادگاه‌های مصر در هر دعاوی دیگری که با دعاوی اصلی ارتباط دارد، صالح به رسیدگی می‌باشند، اگرچه در اصل صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط را نداشته باشند. در تعریف «دعاوی مرتبط دیگر» بیان شده که آن‌ها، دعاوی هستند که با دعاوی اصلی دارای ارتباط اساسی می‌باشند به نحوی که تجمیع دعاوی اصلی و دعاوی مرتبط دیگر و رسیدگی همزمان به آن‌ها سبب تحقق عدالت می‌شود (حداد، ۲۰۱۰، ص ۱۶۷).

با این حال بنظر می‌رسد فرض وجود موضوعاتی مرتبط با دعاوی اصلی با عنوان «دعاوی مرتبط دیگر» که خارج از مصادیق دعاوی طاری یا مسائل مقدماتی باشند دشوار است. برای مثال برخی حقوقدانان مصری از دعاوی ورثه برای اعلام عدم صحت وصیت در مقابل دعاوی موصی‌له برای تسلیم موصی‌به از ورثه (سلامه، ۲۰۰۰، ص ۲۲۵) یا دعاوی وکیل برای درخواست حق‌الزحمه در مقابل دعاوی موکل برای استرداد اسنادی که به وکیل تسلیم شده یا تسلیم صورت حساب به عنوان مصادیق دعاوی مرتبط دیگر یاد کرده‌اند (سلامه، ۲۰۰۰، ص ۲۲۵؛ حداد، ۲۰۱۰، ص ۱۶۷). در حالی که به نظر می‌رسد هر دو مثال از مصادیق دعاوی طاری و از نوع دعاوی متقابل می‌باشند.

در حقوق ایران نیز به این سؤال باید پاسخ داد که آیا در کنار مفاهیمی مانند مسائل مقدماتی و دعاوی طاری، مفهوم دعاوی مرتبط دیگر نیز وجود دارد؟ قانونگذار در ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر کرده است: «اگر دعاوی دیگر که ارتباط کامل با دعاوی طرح شده دارند در همان دادگاه مطرح باشد، دادگاه به تمامی آنها یکجا رسیدگی می‌نماید و چنانچه در چند شعبه مطرح باشد در یکی از شعب با تعیین رئیس شعبه اول یکجا رسیدگی خواهد شد. در مورد این ماده وکلا یا اصحاب دعوا مکلفند از دعاوی مربوط، دادگاه را مستحضر نمایند». ماده مزبور عبارت «دعاوی دیگر که ارتباط کامل با دعاوی طرح شده دارند» را به‌کار برده است، بنابراین ممکن است به‌نظر رسد که قانونگذار در کنار دعاوی طاری مندرج در ماده ۱۷ و مسائل مقدماتی مندرج در ماده ۱۹ مفهوم دعاوی مرتبط دیگر را نیز شناسایی کرده است. همسو با چنین نظری برخی (نهرینی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۶) استنباط کرده‌اند که ماده مزبور راجع به «دعاوی مرتبط» است. به عبارت دیگر، این بخش ماده که مقرر می‌دارد «اگر دعاوی دیگر که ارتباط کامل با دعاوی طرح شده دارند»، نشان می‌دهد که امور دیگری غیر از دعاوی طاری نیز وجود دارند. این حقوقدان معتقد است: «وجه مشترک تمامی دعاوی طاری، شاخص مقرر در ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م. است. ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م. از حیث ارتباط موضوعی میان دعاوی، قطع‌نظر از عناوین و مصادیق طاری مانند تقابل، ورود ثالث، جلب ثالث عمل می‌کند؛ بنابراین نسبت میان دعاوی مرتبط موضوع ماده ۱۰۳ قانون مزبور با دعاوی طاری عموم و خصوص مطلق است؛ زیرا هر دعاوی طاری به شرط داشتن ارتباط و یا وحدت منشأ با دعاوی اصلی، بی‌تردید دعاوی مرتبط است اما بعضی از دعاوی مرتبط، دعاوی طاری هستند و برخی از آنها دعاوی طاری محسوب نمی‌شوند. شرط پذیرش دعاوی طاری، ارتباط آن با دعاوی اصلی یا وحدت منشأ میان این دو دعواست. فقدان این ارتباط یا وحدت منشأ، موجب رسیدگی توأم به دو دعوی مزبور نخواهد شد. هنگامی که دادگاه یکی از دو شرط ارتباط و وحدت منشأ را میان دو دعاوی مزبور احراز نمی‌کند، به دعاوی طاری



در صورت صلاحیت، جداگانه رسیدگی و دعاوی مزبور دیگر از عنوان طاری برخوردار نخواهد شد.

به نظر می‌رسد قبول این استنباط خالی از تردید نیست؛ زیرا اولاً: ماده مذکور در مقام تجمیع دعاوی در یک شعبه است نه ارائه معیار؛ ثانياً: این ماده عبارت «ارتباط کامل» را به کار برده که مصداقی از ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی^۱ و دعاوی تقابل است و اگر در مقام ارائه معیاری برای دعاوی «مرتبط» بود، خود را مقید به ارتباط کامل نمی‌کرد. بنابراین دعاوی مرتبط در حقوق ایران یک عبارت کلی مشتمل بر دعاوی طاری و مسائل مقدماتی است.

۴. عدول دادگاه از صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط به نفع دادگاه خارجی رسیدگی کننده به دعاوی اصلی

اگر دادگاه مصری یا ایرانی صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط را داشته باشد آیا در صورت طرح دعاوی اصلی در دادگاه کشور دیگر، دادگاه مصری یا ایرانی می‌تواند از صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط، به نفع دادگاه خارجی، صرف نظر کند؟ در حقوق مصر طبق صراحت ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری صلاحیت دادگاه مصر برای رسیدگی به دعاوی اصلی، صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط با آن را به همراه دارد اما ماده مزبور درباره فرض مخالف ساکت است. برخی (فهمی، ۱۹۹۲، ص ۶۴۴) معتقدند این ماده تنها به نفع صلاحیت دادگاه مصری اعمال می‌شود و دادگاه مصری نمی‌تواند از صلاحیت خود به نفع دادگاه خارجی عدول کند؛ زیرا نیازمند این است که یک مقام مافوق حاکمیت دولت‌ها وجود داشته

۱. ماده ۱۴۱ قانون آدم: «خواننده می‌تواند در مقابل ادعای خواهان، اقامه دعوا نماید. چنین دعوایی در صورتی که با دعاوی اصلی ناشی از یک منشاء بوده یا ارتباط کامل داشته باشد، دعاوی متقابل نامیده شده و توأماً رسیدگی می‌شود و چنانچه دعاوی متقابل نباشد، در دادگاه صالح به طور جداگانه رسیدگی خواهد شد. بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک مؤثر در دیگری باشد.»

باشد تا صلاحیت رسیدگی به دعاوی بین‌المللی را میان کشورها توزیع کند در حالی که چنین مقامی وجود ندارد. همچنین وی معتقد است اعمال این نظر منجر به تعارض آرا نمی‌شود؛ زیرا در صورت تعارض رأی خارجی با رأی صادره از دادگاه مصری، رأی خارجی در مصر قابل شناسایی و اجرا نخواهد بود.^۱ برخلاف نظر فوق، برخی (صادق، ۲۰۱۴، ص ۱۴) معتقدند که درست است که رأی خارجی در مصر اجرا نخواهد شد، اما نمی‌توان از تعارض واقعی میان رأی دادگاه مصری و دادگاه خارجی در خصوص دعوی مرتبط و دعوی اصلی چشم‌پوشی کرد؛ تعارضی که منجر به بی‌ثباتی در معاملات بین‌المللی می‌شود. از این رو، معتقدند که در حقوق مصر مانعی وجود ندارد که برای جلوگیری از تعارض واقعی آرا و ثبات در معاملات بین‌المللی دادگاه مصری از صلاحیت رسیدگی به دعوی مرتبط به نفع دادگاه خارجی رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی نزول کند، مشروط به اینکه دادگاه خارجی برای رسیدگی به دعوی مرتبط، مناسب‌تر باشد و بتواند رأی قابل شناسایی و اجرا در مصر صادر کند.

در حقوق ایران ذیل ماده ۹۷۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «... مطرح بودن همان دعوا در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود». با توجه به این ماده می‌توان گفت در هر موردی که دادگاه ایرانی صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد، صلاحیت دادگاه خارجی، رافع صلاحیت دادگاه ایرانی نیست. به این ترتیب چنانچه رسیدگی به دعوی اصلی در صلاحیت دادگاه کشور دیگر و رسیدگی به دعوی طاری در صلاحیت دادگاه ایران باشد؛ دادگاه ایرانی همچنان صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. به‌ویژه اینکه وصف ارتباط یا طاری بودن، در صورتی است که پیش از آن دعوایی به عنوان دعوی اصلی در ایران اقامه شده باشد و در صورتی که دعوی مستقلی اقامه گردد، بدون اینکه دعوی اصلی دیگری اقامه شده باشد، حداقل از منظر توصیف مسأله در حقوق ایران، با دعوی مرتبط مواجه نیستیم و وجود دعوی

۱. بند ۴ ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری



اصلی در دادگاه خارجی، نمی‌تواند چنین وصفی را برای دادگاه ایرانی به ارمغان آورد. بنابراین می‌توان گفت دادگاه ایرانی نمی‌تواند از صلاحیت رسیدگی به دعوی مرتبط، به نفع دادگاه خارجی عدول کند. به نظر می‌رسد رویکرد مزبور نوعی احتکار صلاحیت توسط دادگاه‌های ایرانی است که با توجه به لزوم رعایت همکاری‌های قضایی بین‌المللی میان کشورها و تلاش کشورها برای ممانعت از دادرسی‌های موازی مناسب بنظر نمی‌رسد.

۵. صلاحیت انحصاری دادگاه در رسیدگی به دعوی مرتبط

اگر دادگاه ایرانی یا مصری صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعوی مرتبط دارد، آیا دادگاه خارجی رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی می‌تواند به آن دعوی مرتبط نیز رسیدگی کند؟ و بالعکس، اگر رسیدگی به دعوی مرتبط در صلاحیت انحصاری دادگاه کشور دیگری باشد، دادگاه ایرانی یا مصری رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی می‌تواند به دعوی مرتبط نیز رسیدگی کند؟

طبق صراحت ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری صلاحیت دادگاه مصر برای رسیدگی به دعوی اصلی، صلاحیت رسیدگی به دعوی مرتبط با آن را به همراه دارد؛ اما ماده مزبور درباره فرض انحصاری بودن صلاحیت دادگاه خارجی یا مصری برای رسیدگی به دعوی مرتبط ساکت است. در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت به طور کلی اگر دادگاه مصری صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعوی دارد، دادگاه خارجی نمی‌تواند به دعوی مزبور رسیدگی کند؛ زیرا برای شناسایی و اجرای آرای خارجی در مصر، ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری مقرر کرده است: «۱. دادگاه‌های مصر صلاحیت رسیدگی به موضوع حکم یا قرار صادره را نداشته باشد...». طبق این ماده در هر موردی که دادگاه‌های مصر صلاحیت برای رسیدگی به دعوی موضوع رأی خارجی دارند، رأی مزبور در مصر قابل اجرا نخواهد بود. در گزارش توضیحی قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری آمده است که «قانونگذار قصد داشته مسأله صلاحیت انحصاری و متقارن را بررسی نکند؛ چرا که

یک موضوع اجتهادی است و بهتر است به اجتهاد قضات و حقوقدانان واگذار شود تا آن را با توجه به توسعه معاملات خصوصی بین‌المللی تعیین کنند» (کمال فهمی، ۱۹۹۲، ص ۶۴۶). از این رو، می‌توان گفت قانونگذار مصر تفکیک میان موارد صلاحیت انحصاری و موارد صلاحیت متقارن را می‌پذیرد. به این ترتیب، تنها در مواردی که دادگاه‌های مصر صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعوی مرتبط دارند، دادگاه‌های خارجی نمی‌توانند به تبع رسیدگی به دعوی اصلی، به آن دعوی مرتبط رسیدگی کنند در غیراینصورت رأی صادره از دادگاه خارجی در مصر قابل اجرا نخواهد بود. در فرض مخالف بنظر می‌رسد دادگاه مصری رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی نیز نمی‌تواند به دعوی مرتبط که در صلاحیت انحصاری دادگاه خارجی است رسیدگی کند. هر چند در این خصوص مانع قانونی وجود ندارد؛ اما توجه به لزوم همکاری‌های قضایی بین‌المللی و احترام به حاکمیت دولت‌های دیگر و مقتضیات صدور حکم قابل شناسایی و اجرا در کشور خارجی، این نتیجه را می‌طلبد.

در حقوق ایران مطابق بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ۱۳۵۶ چنانچه رسیدگی به دعوی موضوع رأی خارجی راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه ایرانی باشد، رأی مزبور در ایران قابل اجرا نخواهد بود. برای مثال اگر دعوا در دادگاه خارجی مطرح شده و موضوع دعوی مرتبط با آن، مال غیرمنقول واقع در ایران باشد، در این فرض دادگاه خارجی نمی‌تواند به تبع دعوی اصلی به دعوی مرتبط رسیدگی کند و ضمانت اجرای آن عدم اجرای حکم صادره از دادگاه خارجی در ایران می‌باشد. بنظر می‌رسد فرض مخالف نیز همین پاسخ را می‌طلبد. بنابراین با توجه به لزوم همکاری‌های قضایی بین‌المللی و احترام به حاکمیت دولت‌های دیگر و مقتضیات صدور حکم قابل شناسایی و اجرا در کشور خارجی، در فرضی که دعوی اصلی در دادگاه ایرانی در حال رسیدگی است و دعوی مرتبطی که رسیدگی به آن در صلاحیت انحصاری دادگاه خارجی است در دادگاه ایرانی مطرح شود، دادگاه ایرانی نمی‌تواند در کنار دعوی اصلی به این دعوی مرتبط رسیدگی کند.



شایان ذکر است که قانونگذار ایران موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران را تعیین نکرده است (مقصودی، ۱۳۹۳، ص ۵۹۹). در هر حال، رسیدگی به دعاوی راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران^۱ از موارد صلاحیت انحصاری محسوب می‌شود (سلجوقی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۵۱). در مقابل، به طور کلی برای تعیین موارد صلاحیت دادگاه کشور دیگر و از جمله موارد صلاحیت انحصاری، طبق ماده ۹۷۱ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود...». باید به قانون کشور دادگاه مزبور مراجعه کرد (خدابخشی، انصاری و کابری، ۱۳۹۷، ص ۳۵۵).

۶. ارتباط در فرض تعدد خوانندگان

یکی از فروض طرح دعاوی مرتبط در حقوق بین‌الملل خصوصی، اقامه دعوا علیه خوانندگان متعددی است که در کشورهای مختلف مقیم هستند. برای مثال، می‌توان به تعدد بدهکاران یک دین اشاره کرد. در این فرض آیا اقامتگاه یک یا چند بدهکار در مصر یا ایران باعث می‌شود که دادگاه‌های مصر یا ایران نسبت به دیگر بدهکاران مقیم در کشورهای دیگر صلاحیت رسیدگی داشته باشند؟

در حقوق مصر این فرض صراحتاً در بند ۹ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری پیش‌بینی شده است. طبق ماده مزبور دادگاه‌های مصر صلاحیت رسیدگی به دعوا علیه خارجی غیرمقیم در مصر را دارند، در صورتی که یکی از خوانندگان مقیم مصر باشد. مطابق این ماده در صورتی که خوانندگان متعدد باشند و یکی از آنها مقیم مصر باشد، اقامه دعوا علیه خواننده مقیم در مصر، منجر به صلاحیت دادگاه مصر برای رسیدگی به دعوا نسبت به خوانندگان غیرمقیم در مصر می‌شود. البته در این فرض دعاوی مطرح شده علیه خوانندگان متعدد باید موضوعی واحدی داشته باشند همانند دعوایی که ناشی از یک قرارداد بین‌المللی است. همچنین خواننده مقیم

۱. موضوع بند ۷ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۱۲ قانون آدم

مصر که دعوا علیه وی در مصر اقامه شده باید خواننده واقعی باشد اما اگر خواننده صوری بوده و هدف از طرح دعوا علیه او صرفاً ایجاد صلاحیت برای دادگاه‌های مصر علیه خوانندگان مقیم در خارج باشد، ماده مزبور اعمال نمی‌شود (الترجمان، ۲۰۰۳، ص ۷۵).

در حقوق ایران در دعاوی داخلی ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی راهکاری برای صلاحیت رسیدگی به دعوا در فرض مزبور پیش‌بینی کرده است. ماده یادشده مقرر می‌دارد: «هرگاه یک ادعا راجع به خوانندگان متعدد باشد که در حوزه‌های قضائی مختلف اقامت دارند یا راجع به اموال غیرمنقول متعددی باشد که در حوزه‌های قضائی مختلف واقع شده‌اند، خواهان می‌تواند به هر یک از دادگاه‌های حوزه‌های یاد شده مراجعه کند». اعمال مفاد این ماده در دعاوی بین‌المللی منجر به این می‌شود که اگر یکی از خوانندگان مقیم ایران باشد، طرح دعوا علیه خواننده مقیم ایران باعث می‌شود که دادگاه ایران صلاحیت رسیدگی به دعوا نسبت به دیگر خوانندگان مقیم خارج از ایران پیدا کند.

پرسش دیگر این است که -برخلاف فرض بالا- آیا طرح دعوا علیه یک یا چند بدهکار مقیم یک کشور خارجی می‌تواند منجر به این شود که دادگاه مصری یا ایرانی از صلاحیت رسیدگی به دعوا نسبت به خوانندگان مقیم مصر یا ایران به نفع دادگاه خارجی عدول کند؟

در حقوق مصر حقوقدانان قدیمی پاسخ منفی به این پرسش می‌دهند و معتقدند که بند ۹ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری تنها برای گسترش دامنه صلاحیت دادگاه‌های مصر اعمال می‌شود. اما برخی (صادق، ۲۰۱۴، صص ۱۵-۱۶) معتقدند که در این خصوص دادگاه ملی باید این نکته را در نظر داشته باشد که آیا دادگاه خارجی برای رسیدگی به این دعوا مناسب‌تر است؟ و آیا حکم صادره از دادگاه خارجی، معتبر و شایسته‌ی اجرا خواهد بود؟ و چنانچه پاسخ به این دو سؤال مثبت باشد باید از رسیدگی امتناع کند.



به نظر می‌رسد که نمی‌توان نظر اخیر را در حقوق ایران پذیرفت؛ زیرا در حقوق ایران با توجه به ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌توان معیار مناسب بودن یا به اصطلاح «دکترین دادگاه نامناسب»^۱ را اعمال کرد و الا دادگاه‌های ایران طبق ماده مزبور مستنکف از احقاق حق شناخته می‌شوند. همچنین برخی بر این باورند که در دعاوی بین‌المللی همانند دعاوی داخلی چنانچه یکی از عوامل موجد صلاحیت نسبی مانند اقامتگاه، محل انعقاد عقد یا محل اجرای قرارداد در ایران باشد، دادگاه ایرانی ملزم به رسیدگی به دعوا و فصل خصومت است (مقصودی، ۱۳۹۱، ص ۱۹). ضمن اینکه عبارات پایانی ماده ۹۷۱ قانون مدنی حاکی از این است که در هر موردی که دادگاه ایرانی صلاحیت (عینی یا شخصی) برای رسیدگی به دعوا دارد صلاحیت دادگاه خارجی برای رسیدگی نمی‌تواند مانع رسیدگی دادگاه ایرانی باشد. علاوه بر این استناد به اصل استماع دعوا نیز می‌تواند چنین دیدگاهی را تقویت کند (خدابخشی، ۱۳۹۷، ص ۲۸). با این حال بنظر می‌رسد رویکرد فعلی حقوق ایران پاسخگوی رعایت مصلحت اصحاب دعوا، مقتضیات همکاری بین‌المللی و ممانعت از دادرسی‌های موازی نیست و منجر به احتکار صلاحیت بین‌المللی می‌شود. به عبارت دیگر، در این موضوع دادگاه‌های ایرانی قواعد صلاحیت را صرفاً به نفع خود تفسیر می‌نمایند.

۷. نتیجه

دلایل متعددی همانند اجتناب از اطاله دادرسی، صرفه‌جویی در هزینه‌ها و جلوگیری از صدور آرای متعارض در دعاوی مرتبط سبب شده که نظام‌های حقوقی مختلف بر اهمیت موضع‌گیری در مواجهه با دعاوی مرتبط واقف شوند و دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی را صالح برای رسیدگی به دعاوی مرتبط با آن نیز بدانند. در حقوق مصر با عنایت به قاعده مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری، چنانچه دادگاه

۱. The Doctrine of Forum non Conveniens

مصری صلاحیت رسیدگی به دعوای اصلی را داشته باشد، صالح بر رسیدگی به دعوای مرتبط با آن نیز هست. با این حال در فرض مخالف یعنی فرض صلاحیت دادگاه خارجی بر رسیدگی به دعوای اصلی و صلاحیت دادگاه مصری بر رسیدگی به دعوای مرتبط، عدول دادگاه مصری از صلاحیت به نفع دادگاه خارجی با وجود سکوت قانون مزبور، منجر به اختلاف نظر میان حقوقدانان مصری شده است.

در حقوق ایران قانونگذار قواعد خاصی برای تعیین موارد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران وضع نکرده است، بنابراین برای احراز صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در رسیدگی به دعوای مرتبط چاره‌ای جز توسل به مقررات صلاحیت داخلی راجع به رسیدگی به دعوای مرتبط نیست. بررسی مواد راجع به صلاحیت رسیدگی به دعوای مرتبط از جمله ماده ۱۷ راجع به دعوای طاری و ماده ۱۹ راجع به مسائل مقدماتی در کنار ماده ۹۷۱ قانون مدنی راجع به عدم پذیرش ایراد امر مطروحه در دادگاه‌های ایران نشان می‌دهد که مطابق حقوق ایران این امکان وجود دارد که دادگاه ایرانی هنگام رسیدگی به دعوای اصلی به دعوای مرتبط نیز رسیدگی کند، گرچه در اصل، صلاحیت رسیدگی به آن را نداشته باشد، اما در صورت طرح دعوای اصلی در دادگاه خارجی این امکان وجود ندارد که دادگاه ایرانی از صلاحیت رسیدگی به دعوای مرتبط به نفع دادگاه خارجی رسیدگی‌کننده به دعوای اصلی عدول کند. البته چنین رویکردی قابل انتقاد است؛ زیرا با مقتضیات تجارت بین‌المللی و همکاری قضایی بین‌المللی سازگاری ندارد و هدف از آن توسعه صلاحیت دادگاه‌های ملی در مقابل صلاحیت دادگاه‌های خارجی است که منجر به احتکار صلاحیت و در نتیجه انزوای کشور می‌شود.

پیشنهاد می‌شود قانونگذار ایران ضمن وضع قواعدی در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران، در خصوص دعوای مرتبط تعیین تکلیف کند. به این ترتیب که در صورتی که دادگاه ایرانی صلاحیت رسیدگی به دعوای اصلی دارد، صالح به رسیدگی به دعوای مرتبط با آن نیز می‌باشد، اگرچه در اصل صالح برای رسیدگی به آن



نباشد، مگر دادگاه خارجی صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعاوی مرتبط داشته باشد. در مقابل در صورتی که دعاوی اصلی در دادگاه خارجی مطرح گردد، دادگاه ایران می‌تواند از صلاحیت خود در رسیدگی به دعاوی مرتبط به نفع دادگاه خارجی عدول کند مگر دادگاه ایران صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به آن داشته باشد.

۸. منابع و مأخذ

۱-۸. فارسی

۱. ابهری، حمید و برزگر، محمدرضا، آیین دادرسی مدنی ۱ (دعاوی و صلاحیت‌ها)، چ ۱، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۶.
۲. ارفع‌نیا، بهشید، حقوق بین‌الملل خصوصی، تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها، ج ۲، چ ۴، تهران، انتشارات کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۳.
۳. افتخارجهرمی، گودرز و السان، مصطفی، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، چ ۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۶.
۴. خدابخشی، عبدالله، انصاری، اعظم، کابری، محمد مجد، «شرایط اجرای احکام خارجی در حقوق ایران و مصر»، مجله حقوق خصوصی، دوره ۱۵، شماره ۲، ۱۳۹۷.
۵. خدابخشی، عبدالله، تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری، چ ۲، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲.
۶. خدابخشی، عبدالله، حقوق دعاوی، قواعد عمومی دعاوی، چ ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳.
۷. خدابخشی، عبدالله، مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تأثیر آن در رویه قضایی، چ ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷.
۸. سلجوقی، محمود، حقوق بین‌المللی خصوصی، ج ۲، چ ۵، تهران، میزان، ۱۳۸۷.

۹. شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی*-(دوره پیشرفته)، ج ۱، چ ۳۳، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۹۴.
۱۰. صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله، *مسئولیت مدنی تطبیقی*، چ ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۷.
۱۱. غمامی، مجید و محسنی، حسن، *اصول آیین دادرسی مدنی فراملی*، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۶.
۱۲. متین دفتری، احمد، *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، ج ۲، چ ۲، تهران، مجد، ۱۳۸۱.
۱۳. مقصودی، رضا، «*دادرسی موازی در دعاوی بین‌المللی*»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۵، شماره ۲، ۱۳۹۳.
۱۴. مقصودی، رضا، «*دکترین دادگاه نامناسب در حقوق بین‌الملل خصوصی*»، *دوفصلنامه حقوق تطبیقی*، شماره ۲۳، شماره پیاپی ۹۴، ۱۳۹۱.
۱۵. مقصودی، رضا، «*صلاحیت قضایی در حقوق بین‌المللی خصوصی*»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال ۳۴، شماره ۵۶، ۱۳۹۶.
۱۶. مهاجری، علی، *مبسوط در آیین دادرسی مدنی*، ج ۱، چ ۱، تهران، فکرسازان، ۱۳۸۷.
۱۷. نهرینی، فریدون، *آیین دادرسی مدنی*، *مراجع قضایی و غیرقضایی و حدود صلاحیت آنها*، ج ۱، چ ۲، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۸.
- ۲-۸. عربی
۱۸. البنموسی، مبروک، *شرح مجلة القانون الدولي الخاص التونسي*، الطبعة الأولى، تونس، منشورات المغاربية للطباعة والنشر و الأشهار، ۲۰۰۳.
۱۹. الترجمان، محمدخالد، *الاختصاص القضائي الدولي و آثار الأحكام الأجنبية* (الكتاب الثاني)، الطبعة الاولى، القاهرة، منشورات شركة مطابع الطوبجي، ۲۰۰۳.
۲۰. حداد، حفيظة، *النظريه العامه في القانون القضائي الخاص الدولي*، الكتاب الثاني، الطبعة الأولى، بيروت، منشورات الحلبي الحقوقية، ۲۰۱۰.



۲۱. سلامة، احمد عبدالکريم، *فقه المرافعات المدنية الدولية*، الطبعة الأولى، القاهرة، منشورات دارالنهضة العربية، ۲۰۰۰.
۲۲. صادق، هشام، «مدى حق القضاء المصرى فى التخلّى عن اختصاصه فى المنازعات المدنية و التجارية»، ۲۰۱۴. موجود على الرابط التالى: <http://cutt.us/uYLIIm>، تاريخ آخر زيارة للموقع فى ۲۴ فبراير ۲۰۲۱.
۲۳. عبدالعال، عكاشة، *الاجراءات المدنية و التجارية الدولية فى دولة الامارات العربية المتحدة*، الطبعة الاولى، بيروت: منشورات الحلبي الحقوقية، ۲۰۰۰.
۲۴. كمال فهمى، محمد، *اصول القانون الدولى الخاص*، الطبعة الثانية، الاسكندرية: منشورات مؤسسة الثقافة الجامعية، ۱۹۹۲.



Jurisdiction to Related Actions in Private International Disputes; A Comparative Study between Iranian and Egyptian law

Mohammed mjed Kabry¹, Azam Ansari^{2*}, Abdollah Khodabakhshi³

1. Ph.D. Candidate of Private Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
2. Assistant Professor, Department of Private Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
3. Assistant Professor, Department of Private Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Receive: 01/03/2021

Accept: 17/11/2021

Abstract

While principal private international actions are pending before a court, there is a possibility for arising related actions. However, if the court doesn't have jurisdiction over related actions, two important questions may arise; the first one is if the Iranian or Egyptian courts have jurisdiction to decide the principal dispute, can they take the jurisdiction to decide the related actions? Also, if the foreign court has jurisdiction over the principal action, is the Iranian or Egyptian court required to dismiss jurisdiction in favor of the foreign court? The article with the descriptive-analytical method and a comparative approach examines the approach of Iranian and Egyptian laws in this area. The article shows that where the Iranian or Egyptian court has jurisdiction over the principal action, it can take jurisdiction to decide the related actions. Nevertheless, if the Iranian court has jurisdiction to decide the related actions, the jurisdiction of the foreign court over the principal action does not prevent the Iranian court to exercise the jurisdiction over related actions. However, on this question, there are contradicted views in Egyptian law.

Keywords: Foreign Court, Incidental Claim, Related Action, international Jurisdiction, Preliminary Question.

* Corresponding author's E-mail: aansari@um.ac.ir